

مبانی تفکیک ایده از بیان

زینب شعبانی*
محمود حکمت‌نیا**

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۸/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۲

چکیده

کاربرد کلمات «بیان»، «ظهور» و «ایجاد» ذیل تعریف «اثر» در ماده ۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) بر عدم حمایت از ایده آثار دلالت دارد. در نتیجه نخستین شرط حمایت آن است که ایده نمود خارجی یافته باشد. اصطلاح حقوقی معرف این تفکیک میان ایده و بیان آثار اصل دوگانگی ایده و بیان است. دوگانگی ایده و بیان نخستین و مبنایی‌ترین اصل حقوق مالکیت ادبی و هنری است که در همه نظام‌های حمایت از آثار ادبی و هنری به‌عنوان اصلی ثابت پذیرفته شده است. به‌موجب این اصل ایده صرف موضوع انحصار واقع نمی‌شود و حمایت تنها به بیان اصیل و خلاقانه آن ایده تعلق می‌یابد. ایده‌ها اجزای سازنده خلاقیت هستند و دسترسی آزاد عموم به آنها نباید با اعطای انحصار محدود شود؛ با وجود این تفکیک ایده از بیان در عمل، همواره از بزرگ‌ترین چالش‌های قضات و کارشناسان در تشخیص موضوع حمایت بوده است. مقاله حاضر با به‌کارگیری روش توصیفی – تحلیلی در بررسی آرای قضایی صادره و مطالعه تطبیقی نظریات ناظر بر تشخیص ایده و بیان، درصدد ارائه دستورالعمل تشخیصی برای دادگاه‌ها و تسهیل فرایند رسیدگی به پرونده‌های نقض آثار ادبی و هنری برمی‌آید.

واژگان کلیدی: مالکیت ادبی و هنری، دوگانگی ایده و بیان، نظریه ادغام، نظریه توابع لازم.

۱۱۹

حقوق اسلامی / سال نوزدهم / شماره ۷۲ / بهار ۱۴۰۱

* کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری پردیس فارابی دانشگاه تهران/ نویسنده مسئول

(zeinabshaabani@yahoo.com)

** استاد تمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (mh.hekmatnia@yahoo.com).

مقدمه

طرح مباحث مبنایی مرتبط با ایده و بیان برای همگام‌شدن با جهانی که در آن رسانه‌های بیان خلاق همواره در حال تکامل هستند ضروری است. در رأس این امر، تفکیک ایده و بیان است که در قلب هر تحلیل حمایت حقوقی وجود دارد؛ چراکه اساساً بحث اصالت که شرط اساسی حمایت در همه نظام‌های حقوقی است با یک موضوع بنیادین آغاز می‌شود: هیچ پدیدآورنده‌ای نمی‌تواند نسبت به ایده‌هایی که بیان می‌کند حق انحصاری کسب نماید.

هدف اولیه تفکیک ایده از بیان، تعیین دقیق این مسئله است که چه چیزی توسط حق مؤلف حمایت می‌شود، چه چیزی متعلق به قلمرو عمومی است و چه چیزی ذیل دیگر سیستم‌های حمایتی قرار می‌گیرد (Hebl, 2007, p.138).

این تفکیک از ایجاد مزاحمت برای پیشرفت علمی و هنری جلوگیری می‌کند؛ چراکه اعطای شأن مالی به یک ایده صرف، مانع گردش یا توسعه بیشتر آن توسط دیگران می‌شود (Walker, 2020, p.442). در عین حال که اجتناب از حذف مواد از قلمرو عمومی لازم است، تعیین دقیق بین سیستم‌های حمایتی ضرورت دارد. در خدمت این هدف، تمایز ایده و بیان تضمین می‌کند آنچه که به‌درستی در قلمرو حق مؤلف قرار دارد حمایت شود و سایر موارد یا وارد قلمرو عمومی شوند یا حمایت از آنها به سیستم‌های حمایتی دیگر واگذار شود (Hebl, 2007, p.137).

در نبود تفکیک میان ایده و بیان، چنین ایده‌هایی تنها مشروط بر اینکه ابتکاری و خلاقانه باشند موضوع حق انحصاری واقع می‌شوند که استاندارد به‌شدت پایینی است. این امر دریچه سد را به روی انحصار بخشی به ایده‌ها باز می‌کند، سطح پایین اما کافی خلاقیت، حق انحصاری را تقویت می‌کند و اطلاعات بسیاری را از حوزه عمومی خارج می‌کند. اما در نتیجه تفکیک ایده از بیان، اشخاص با اطمینان از قلمرو حمایت اعطایی قانون به آنها، دست به خلق آثار می‌زنند و عموم مردم از انتشار فزاینده دانش سود می‌برند. اصطلاح حقوقی معرف این تفکیک، دوگانگی ایده و بیان است (Hebl, 2007, p.131) که بیان می‌کند هیچ انحصاری به ایده‌ها تعلق نمی‌گیرد و تنها بیان مربوط به آن که حامل ایده است حمایت می‌شود (Laddie, 2000, p.212). دوگانگی ایده و بیان به‌عنوان اصلی ثابت در سطح جهان پذیرفته شده است و همه نظام‌های حمایت از آثار ادبی و هنری از آثار در قالب یک شکل بیانی حمایت می‌کنند، نه از ایده به تنهایی (زرکلام، ۱۳۸۸، ص ۳۰). اگرچه در قوانین به ندرت بدان تصریح شده است، اما تمامی قوانین ملی، ایده‌ها را به‌طور ضمنی از

قلمرو اجرای قانون خارج کرده‌اند. کافی است توصیفی که ضرورت شکل بیان را مطرح می‌کند به دنبال کلمه «اثر» آمده باشد، تا بتوان از مفهوم مخالف آن استنباط کرد که ایده محض مورد حمایت نیست (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۲۹).

اما دشوارترین بخش اعمال اصل دوگانگی، ترسیم مرز بین ایده و بیان است. گاه این مرز چنان ظریف است که موجب انحراف دادگاه‌ها در اتخاذ این تصمیم که مرزهای حمایت کجا قرار می‌گیرند، می‌شود. در چنین مواردی دوگانگی ایده و بیان تنها یک ابزار کند ارائه می‌کند که برای دادگاه‌ها کاربرد محدودی دارد. بنابراین معیارهای دیگری نیز برای این مرزبندی لازم است (Walker, 2020, p.443) که ابزارهای اجرایی اصل دوگانگی ایده و بیان هستند. این نظریات برآمده از حقوق دعاوی که به تعیین مرزهای ایده و بیان توجه دارند، مسلماً اقتضای ضرورت‌های عملی هستند و همین مسئله جای خالی طرح چنین موضوعاتی را در حقوق ایران پررنگ‌تر جلوه می‌دهد. در نتیجه، متأسفانه به‌رغم وجود دعاوی قابل توجه نقض در محاکم قضایی ایران و ارجاع امر به کارشناس، بدون توجه به چنین نظریاتی و به‌صورت سلیقه‌ای نسبت به این موضوعات اظهار نظر می‌شود.

مقاله «دکترین ادغام و دکترین نمای اجباری» از حامد معینی و مریم سادات قادری به‌طور خاص بر بررسی قابلیت اعمال این دو دکترین در خصوص آثار دیداری متمرکز بوده و در بررسی این نظریات، ارتباط آنها با یکدیگر و نقش آنها در رسیدگی به پرونده‌هایی با موضوعات متفاوت نگاه جامع و همه‌جانبه‌ای نداشته است؛ در راستای جبران این شکاف، پژوهش حاضر می‌کوشد نظر به سابقه طولانی و رویه قضایی غنی آمریکا در بحث تفکیک ایده از بیان، به‌طور خاص حقوق کپی رایت آمریکا و نظریات برآمده از حقوق دعاوی را در ارائه مطالب و بررسی هرچه دقیق‌تر موضوعات مورد توجه قرار دهد.

با عنایت به مطالب فوق، مباحث آتی در چند بخش ارائه می‌شود: در بخش نخست در راستای درک بهتر مفهوم دوگانگی ایده و بیان، مفهوم این اصل به‌طور مفصل بررسی می‌شود و پس از آن به ذکر دلایل عدم حمایت از ایده پرداخته و چگونگی تعیین مرز ایده و بیان و نتایج این مرزبندی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. سپس تحت عنوان ابزارهای اجرایی اصل دوگانگی، به مطالعه نظریات مکمل؛ یعنی نظریه ادغام و نظریه فرانسوی توابع لازم، تعیین حدود هریک و نقش اساسی هریک در تشخیص موضوع حمایت می‌پردازیم.

۱. دوگانگی ایده و بیان

نخستین و مبنایی‌ترین اصل حقوق مالکیت ادبی و هنری، تمایز ایده و بیان است که بیان‌گر تعلق حمایت به بیان و نه ایده صرف می‌باشد. هیچ انحصاری به ایده‌ها تعلق نمی‌گیرد و تنها بیان مربوط به آن که حامل ایده است حمایت می‌شود (Laddie, 2000, p.212). ایده‌ها اجزای سازنده خلاقیت بوده (Bently & Sherman, 2014, p.184) و برای جهانیان آزادند (Ocasio, 2006, p.306).

دوگانگی را می‌توان با تصور نمونه یک نوشته داستانی به خوبی توضیح داد: طرح کلی و چهارچوب داستان از ایده پدیدآورنده سرچشمه می‌گیرد؛ کلمات خاص مورد استفاده، بیانی هستند که پدیدآورنده اتخاذ کرده است. ممکن است هر فرد دیگری به‌طور کلی در همان چهارچوب داستانی بنویسد، اما او نباید کلمات انتخابی پدیدآورنده نخست را به‌کار گیرد (Colston & Galloway, 2010, p.287).

کنوانسیون برن به‌عنوان اولین و مهم‌ترین سند بین‌المللی در حوزه حمایت از آثار ادبی و هنری، با طرح الزامات درخصوص آثار مورد حمایت و شرط اصالت اثر به‌طور ضمنی به این اصل اشاره دارد (Goldstein, 2001, p.184). برخی حقوق‌دانان معتقدند کنوانسیون در بند ۲ ماده ۲،^۱ صراحتاً بیان ایده اثر در یک قالب مادی را شرط حمایت از آن دانسته است (زرکلام، ۱۳۸۸، ص ۳۳).

موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) در بند ۲ ماده ۹،^۲ صراحتاً به اصل دوگانگی ایده و بیان اشاره دارد. ماده ۲ معاهده کپی‌رایت و ایپو (WIPO Copyright Treaty, 1996 "WCT") نیز ذیل عنوان قلمرو حمایت کپی‌رایت، با بیانی مشابه تصریح می‌کند «کپی‌رایت از بیان‌ها حمایت می‌کند و شامل ایده‌ها، آیین‌ها، روش‌های اجرا یا مفاهیم ریاضی نمی‌شود».^۳ در ایران، قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) تصریحی درخصوص عدم حمایت از ایده‌ها ندارد، اما از سیاق نگارش ماده ۱ این قانون در می‌یابیم حمل عنوان اثر و

۱. «قانونگذاران کشورهای عضو اتحادیه می‌توانند مقرر کنند که حمایت از آثار ادبی و هنری مشروط بر این است که در یک قالب مادی تجلی یافته باشند».

۲. «حمایت از حق مؤلف شامل شکل بیان است و ایده‌ها، آیین‌ها، روش‌های اجرا و مفاهیم ریاضی صرف را در بر نمی‌گیرد».

3. <https://wipolex.wipo.int/en/text/295157>.

جلب حمایت منوط بر آن است که ایده نمود خارجی یافته باشد. این ماده در تعریف اثر بیان می‌دارد: «... آنچه از راه دانش یا هنر یا ابتکار آنان (پدیدآورندگان) پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان یا ظهور یا ایجاد آن به کار رفته» (زرکلام، ۱۳۸۸، ص ۳۱). ماده ۲ قانون مزبور نیز با بیان مصادیق آثار قابل حمایت، اماره‌ای بر حمایت از آثاری است که صورت عینی یافته و به نحوی بیان شده‌اند.^۴ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (۱۳۵۲) نیز صراحتاً ایده‌ها را از قلمرو حمایت خارج نکرده، اما از ماده ۱^۵ که حقوق مادی ترجمه را بیان کرده و نیز ماده ۱۳ که حمایت از آثار صوتی را مشروط به ضبط آن بر روی صفحه، نوار یا هر وسیله دیگر کرده است، می‌توان عدم حمایت از ایده و لزوم بیان را دریافت. بالأخره آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (۱۳۷۹) این سکوت در خصوص عدم حمایت از ایده را می‌شکند و در تبصره ماده ۲ تصریح می‌دارد: «خلق عملیات نرم‌افزاری در ذهن

۴. ماده ۲- اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است:

- ۱- کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری.
 - ۲- شعر و ترانه و سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
 - ۳- اثر سمعی و بصری به منظور اجراء در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
 - ۴- اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
 - ۵- نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته‌ها و خط‌های تزئینی و هر گونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی به وجود آمده باشد.
 - ۶- هر گونه پیکره (مجسمه).
 - ۷- اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان.
 - ۸- اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد.
 - ۹- اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم.
 - ۱۰- اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنری ملی پدید آمده باشد.
 - ۱۱- اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد.
 - ۱۲- هر گونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد.
۵. «حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای با مترجم یا وارث قانونی او است. مدت استفاده از این حقوق که به وارث منتقل می‌شود از تاریخ مرگ مترجم سسی سال است. حقوق مذکور در این ماده قابل انتقال به غیر است و انتقال گیرنده از نظر استفاده از این حقوق قائم مقام انتقال دهنده برای استفاده از بقیه مدت از این حق خواهد بود. ذکر نام مترجم در تمام موارد استفاده الزامی است».
۶. «نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است. حکم مذکور در این ماده شامل نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه‌های رادیو و تلویزیون یا هر گونه پخش دیگر نیز خواهد بود».

یا بیان مخلوق ذهنی بدون اینکه برنامه‌های رایانه‌ای و مستندات و دستورات عمل آن تدوین شده باشد، نرم‌افزار محسوب نمی‌شود و برای خالق آن حقوقی ایجاد نمی‌کند». البته باید خاطر نشان کرد که آیین‌نامه قطعاً مانند قانون قدرت تقنینی و اجرایی نخواهد داشت.

لایحه حمایت از مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط (۱۳۹۵) در بند ۲ ماده ۵ اصل عدم حمایت از ایده را ذیل بحث موارد خارج از شمول حمایت مد نظر قرار داده است.^۷ در ایالات متحده، قانون کپی‌رایت (۱۹۷۶)، در بند b ماده ۱۰۲، دوگانگی ایده و بیان را به صورت قانون مدون نموده است.^۸ این ماده، ایده‌ها را به عنوان دسته‌ای جداگانه که در بیان‌ها توصیف، توضیح، تشریح یا مجسم می‌شوند، تعریف می‌کند. در حقوق دعوی قدیم، زمانی که بیان در مقابل ایده قرار می‌گرفت، عبارت «بیان» به معنای هرگونه تجسم ایده بود، نه صرفاً بیان‌های قابل حمایت به موجب قانون کپی‌رایت (Jones, 1990, pp.559-560).

چنانکه اورن براکا (Oren Bracha)، استاد پژوهش‌گر حقوق مالکیت فکری ایالات متحده بیان کرده است، اثر کپی‌رایت در حقیقت یک «وجود فکری» مجرد است که می‌تواند به صورت عینی متعددی آشکار گردد (Bracha, 2016, p.158).

در مورد دوگانگی ایده و بیان مشکل اصلی این است که دادگاه‌ها هرگز روشن نمی‌سازند که منظور آنها از «ایده» و «بیان» دقیقاً چیست. در خصوص ایده‌ها، آنها گاهی به مفاهیم عمومی یا ایده‌های مجرد بر می‌گردند.^۹ پروفیسور نیمر (Nimmer) ایده مجرد را یک ایده بدون ارائه یا بیان متعلق به خود میدانست. اگرچه او نتوانست توضیح دهد که چگونه چنین وجودی ممکن است. تنها التزام به دوگانگی ایده و بیان شخص را بر آن میدارد تا چنین وجودی را فرض نماید.

اینکه ایده یک اثر را انتزاع نهفته در بیان آن اثر بدانیم، یا آن را ایده‌ای بدانیم که بیان متعلق به خود ندارد، مشکلات خاصی ایجاد می‌کند. به طور خاص، بسته به تمرکز توجه فرد انتزاع کننده،

۷. «هرگونه فکر محض، طرز کار دستگاه‌ها یا ابزار و وسایل، روش‌های استفاده از سامانه‌ها، شیوه انجام کار، قواعد و اصول کلی، داده‌های محض، صرف وقایع تاریخی و مفاهیم، از جمله مفاهیم ریاضی، حتی اگر در اثری بیان، توصیف و توضیح داده یا به تصویر کشیده شده باشند».

۸. «حمایت کپی‌رایت از آثار اصیل ناشی از تألیف به هیچ عنوان شامل ایده، آیین کار، فرایند، سیستم، روش بهره‌برداری، مفهوم، قاعده کلی یا اکتشاف نمی‌شود، صرف نظر از قالبی که در آن توصیف، توضیح، تشریح شده یا تجسم یافته‌اند».

9. Mihalek Corp. v. State of Michigan, 814 F. 2d 290, 294 (6th Cir. 1987) ; Johnson v. Donaldson, 3 F. 22, 24 (C. C. S. D. N. Y. 1880)

می‌توان از یک نوشته ایده‌های متفاوتی را انتزاع کرد. بنابراین یک اثر سطوح مختلفی از مفاهیم فکری را دربرمی‌گیرد. زمانی که یک دادگاه دوگانگی ایده و بیان را به‌کار می‌گیرد، به‌ناچار باید قضاوت ارزشی خود را تحمیل کند (Jones, 1990, p.566).

درخصوص «بیان»، لغت‌نامه‌ها با انعکاس کاربرد رایج، آن را یک عمل، فرایند یا نمونه‌ای از نمایاندن در یک واسطه تعریف می‌کنند.^{۱۰} اما دادگاه‌ها و مفسران، بدون پیروی از معنای رایج، بیان مد نظر کپی‌رایت را صرفاً تجسم ایده در یک واسطه محسوس تلقی نمی‌کنند. در عوض، در بیشتر موارد با بررسی میزان جزئیات، ترتیب و تکامل نوشته، میان ایده و بیان تفاوت قائل می‌شوند.^{۱۱} چنین ویژگی‌هایی از یک نوشته، به‌عنوان سبک آن، عناصر مورد حمایت هستند (در مقابل ایده).^{۱۲} دادگاه‌ها بیان می‌کنند که بیان خاص یا ترتیب کلماتی که نویسنده برای بیان ایده از آنها استفاده می‌کند قابل حمایت هستند، اما ایده قابل حمایت نیست.^{۱۳}

در مجموع، دادگاه‌ها در استفاده از «ایده» و «بیان» ثابت قدم نیستند. به‌نظر می‌رسد برخی از لفظ «ایده» برای اشاره به انتزاعات غیرقابل حمایت استفاده می‌کنند. دادگاه‌های دیگر، «ایده» را به‌معنای هرگونه بیان حمایت نشده در یک نوشته مورد حمایت به‌کار گرفته‌اند. «بیان» گاهی توسط دادگاه‌ها به‌معنای همه قالب‌های عینی یک ایده (چه قابل حمایت و چه غیرقابل حمایت) استفاده شده. در دعوایی دیگر به‌نظر می‌رسد این لفظ، عناصر قابل حمایت در یک نوشته را مشخص می‌کند.

باتوجه به اینکه «ایده» و «بیان» در دو معنای متفاوت به‌کار رفته‌اند، می‌توان ۴ معنای مختلف

10 . <https://www.merriam-webster.com/dictionary/expression>; Longman Dictionary of Contemporary English (LDOCE), 6th Ed, 2014.

11. Harper & Row, 723 F. 2d at 203; Gordon v. Weir, 111 F. Supp. 117, 122 (E. D. Mich. 1953), aff'd, 216 F. 2d 508 (6th Cir. 1954).

12. Chuck Blore & Don Richman, Inc. v. 20/20 Advertising, Inc., 674 F. Supp. 671, 677-78 (D. Minn. 1987); Steinberg v. Columbia Pictures Indus., 663 F. Supp. 706, 712 (S. D. N. Y. 1987); Oliver v. Saint Germain Found., 41 F. Supp. 296, 299 (S. D. Cal. 1941)

13. Holmes v. Hurst, 174 U. S. 82, 86 (1899); Feder v. Videotrip Corp., 697 F. Supp. 1165, 1169 (D. Colo. 1988); Mazer v. Stein, 347 U. S. 201, 217 (1954); Uneceda Doll Co., v. P & M Doll Co., 353 F. 2d 788, 789 (2d Cir. 1965) (per curiam); Raffoler, Ltd. v. Peabody & Wright, Ltd., 671 F. Supp. 947, 951 (E. D. N. Y. 1987).

از دوگانگی ایده و بیان ارائه کرد: (۱) تفاوت میان موضوع یک اثر و بیان‌های قابل حمایت در اثر؛ (۲) تفاوت میان بیان‌های قابل حمایت و غیرقابل حمایت؛ (۳) تفاوت میان موضوع یک اثر و بیان‌های حمایت نشده و (۴) تفاوت قدیمی میان ایده‌های غیر مجسم و هرگونه تجسمی از آنها (Jones, 1990, p.568).

دو معنای اخیر را نمی‌توان مرتبط با کپی‌رایت دانست؛ زیرا کپی‌رایت تنها تشخیص بیان قابل حمایت را دربرمی‌گیرد.

ریشه دوگانگی را می‌توان در رأی دادگاه عالی ایالات متحده در دعوی بیکر در مقابل سلدن^{۱۴} مشاهده کرد (Colston & Galloway, 2010, p.287/ Groves, 2011, p.151):

سلدن کتابی در توضیح یک سیستم محاسبه نوشت و آن را ثبت کرد. او ترتیب خاصی از ستون‌ها و عناوین شکل داده بود که بررسی گردش یک روز یا یک ماه را تنها با نگاهی به یک صفحه امکان‌پذیر می‌ساخت. بیکر کتابی در مورد روش‌های محاسبه منتشر کرد که عناوین مختلف و ستون‌هایی با ترتیب متفاوت داشت، ولی نتیجه‌ای مشابه ارائه می‌کرد. سلدن علیه بیکر دعوی نقض کپی‌رایت اقامه کرد. او ادعا کرد که انحصار در استفاده از ستون‌ها و عناوین سامان‌یافته و در نتیجه حق انحصاری استفاده از سیستم را دارد؛ زیرا «هرگونه ستون و عنوانی که به‌طور مشابهی مرتب شده، کپی‌رایت او را نقض می‌کند» (Beldiman, 2008, p.79).

قاضی بردلی (Bradley) در دادگاه چنین اظهار داشت که تفاوت فاحشی میان کتاب به خودی خود و فنی که کتاب به شرح آن اختصاص یافته وجود دارد. کپی‌رایت اثری در مورد دانش ریاضی، نمی‌تواند به پدیدآورنده حق انحصاری نسبت به روش‌های کاربردی که ارائه داده یا نمودارهایی که به‌کار برده یا توضیحشان داده بدهد تا جلوی یک مهندس را از استعمال آنها در شرایط مقتضی بگیرد. هدف انتشار یک کتاب در مورد دانش یا هنرهای کاربردی، مخایره دانش مفید و محتوای آن به جهان است. اما این هدف، در صورتی که نتوان بدون ارتکاب جرم یا سرقت ادبی از آن دانش استفاده کرد، از بین خواهد رفت. همچنین است اگر نتوان فنی را که آن کتاب می‌آموزد، بدون استفاده از شیوه‌ها یا نمودارهایی که در توضیح کتاب به‌کار برده شده، مورد استفاده قرار داد یا مواردی شبیه به آن. چنین روش‌ها یا نمودارهایی باید به‌عنوان توابع لازم آن فن در نظر گرفته شوند و در نتیجه به عموم داده شوند. با وجود اینکه هیچ‌کس حق چاپ یا نشر کتاب یا هر بخش مادی آن را

14. Baker v. Selden, 101 U. S. 99 (U. S.: Supreme Court, 1879).

ندارد، به‌عنوان کتابی که دست‌ورالعمل‌های فن را انتقال می‌دهد، هر فردی ممکن است فنی که او در کتاب شرح داده را مورد استفاده قرار دهد. استفاده از فن، کاملاً متفاوت از نشر کتابی است که آن فن را توضیح می‌دهد. البته که در استفاده از فن، استفاده از خطوط قاعده‌مند و عناوین حساب‌ها، به‌عنوان لازمه آن اجتناب‌ناپذیر است (Vaver, 2002, p.17).

۲. دلایل عدم حمایت از ایده

در بحث از عدم حمایت از ایده، پیش از هر چیز این سوال پیش می‌آید که اساساً چرا حمایت از ایده پذیرفته نیست؛ چراکه امروزه جدی‌ترین انتقاد وارد بر اصل مذکور این است که حمایت از بسیاری از آثار هنری معاصر را با مشکل مواجه می‌کند. طبق این اصل، آثار هنری مفهومی که بیشتر بر جنبه‌های مفهومی اثر و به‌عبارتی بر ایده‌های موجود در اثر هنری تکیه می‌کنند تا نحوه بیان آن، از حمایت بی‌بهره می‌مانند (شبییری، ۱۳۹۵، ص ۹). به همین جهت ابتدا در این قسمت به ذکر نظرات و دلایلی که در توجیه عدم حمایت از ایده مطرح شده است می‌پردازیم:

نخست آنکه ایده‌ها به عالم مشترکات و حوزه عمومی (Public Domain) و نه اختصاصی تعلق دارند و تنها بیان آنها را می‌توان قابل استناد به پدیدآورنده دانست. این استدلال را می‌توان مستند به جانب‌داران نظریه منفعت به‌عنوان مبنای حمایت از مالکیت فکری دانست. بر اساس این نظریه از ایده‌ها حمایت نمی‌شود زیرا در قلمرو عمومی قرار دارند و دسترسی آزاد عموم به آنها نباید با اعطای حمایت محدود شود. درواقع، هرچند در نظرگرفتن حق انحصاری برای دارنده ایده منافع خصوصی او را تأمین می‌کند، مانع تأمین مصالح عمومی از جمله پیشرفت فناوری خواهد بود. به تعبیری حقوق مالکیت فکری، جزیره‌ای مرجانی از حقوق خصوصی در اقیانوس حقوق عمومی است (Deazley, 2007, p.22). در همین راستا؛ برای مثال قاضی برندیس (Brandeis) با بیان اینکه «ایده‌ها پس از ارتباط برقرارکردن با دیگران مانند هوای آزاد قابل استفاده عموم هستند»، با تملک ایده‌ها مخالفت کرد^{۱۵} و پوییه (Pouillet) نیز بیان می‌دارد ایده‌ها سرمایه مشترکی را تشکیل می‌دهند که به‌طور ابدی و جاودانه به همگان تعلق دارد. به‌عبارت دیگر، این سرمایه گنجی است که با استفاده از آن افزون می‌شود (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰).

15. International News Service v. Associated Press, 248 U. S. 215 (1918).

دوم؛ ایده‌ها محصول کار و تلاش نیستند. با وجود اینکه ادعا شده که برخی از ایده‌ها حاصل کار و تلاش زمان بر هستند و عدم حمایت از آنها به منزله تنبیه و مجازات ارائه دهنده ایده است، باید پذیرفت که به سختی می‌توان چنین ادعایی را اثبات نمود و در بیشتر موارد ایده در نتیجه شهود و خیال و بدون زحمت به دست می‌آید و در نتیجه استحقاق حمایت را ندارد. این استدلال از سوی کسانی که مبنای کار جان لاک (John Lock)^{۱۶} را برای حمایت از مالکیت فکری پذیرفته‌اند بیان شده است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۲۰۳-۲۱۸).

سوم؛ در مرحله ایده، هنوز خلق اثر کامل نشده است. داشتن ایده اولین مرحله خلق یک اثر فکری است و معلوم نیست آیا آن ایده قابلیت پیاده‌سازی و اجرا در عالم واقعیت را دارد یا خیر. در واقع هر خواننده‌ای می‌تواند ایده را دریابد یا با فکر و تأمل بدان دست یابد، این شکل اثر است که توسط پدید آورنده ایجاد می‌شود و مختص خود اوست و دیگران نمی‌توانند از آن بهره برداری کنند (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰). عملی و سودمند ساختن ایده برای جامعه و خلق یک اثر فکری بر مبنای آن پدید آورنده را شایسته حمایت می‌کند، نه صرف داشتن یک ایده. به همین دلیل است که کشفیات و فرمول‌های ریاضی قابل حمایت نیستند؛ چراکه عنصر خلق در آنها به چشم نمی‌خورد (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۳۴-۱۳۵).

چهارم؛ اگر از ایده‌ها حمایت شود، با نتایج زیان‌باری رو به رو خواهیم بود. این امر مانع اشاعه دانش و ابتکارات در جامعه می‌شود؛ چراکه اگر از ایده‌ها یا محتوای دانش حمایت شود، آثار با مانع کسب اجازه از متفکران رو به رو خواهند بود و باب هرگونه پیشرفت فرهنگی یا صنعتی نیز بسته خواهد شد؛ برای مثال در زمینه علمی هر حکایتی از دست‌آوردها مشکل می‌شود؛ زیرا نیازمند موافقت دانشمندانی است که کشفیات بر اساس تفکرات آنها صورت گرفته است (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۲۸).

اما با وجود دلایلی که در مخالفت با حمایت حق مؤلف از ایده اقامه می‌شود، می‌توان از ایده خارج از این نظام، در چهارچوب حقوق راجع به رقابت غیر منصفانه (Unfair Competition) و

۱۶. در نظر جان لاک جهان موهبتی الهی است که خداوند آن را به صورت مشترک به بشر داده است و در مالکیت شخص خاصی قرار ندارد؛ هر شخص نسبت به جسم و نیروی ید خود حق مالکانه معنوی دارد؛ نظر به این که تعلق نتیجه کار به مالک کار، یک حق طبیعی است، اگر شخصی کار خود را با چیزی از مشترکات ممزوج نماید، آن را ملک خود کرده است.

قواعد عام مسئولیت مدنی حمایت کرد. به علاوه، ایده با دارا بودن شرایط لازم می‌تواند تحت حمایت قانونی ویژه نام تجاری یا اختراع، مورد حمایت حقوق مالکیت صنعتی باشد (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۵، ص ۱۲۵-۱۳۵).

۳. مرز ایده و بیان

دشوارترین بخش اعمال اصل دوگانگی، تفکیک ایده از بیان است. مرز بین ایده و بیان چنان ظریف است که موجب انحراف دادگاه‌ها در اتخاذ این تصمیم که مرزهای حمایت کجا قرار می‌گیرند، می‌شود.

در پاسخ به این سوال که «در چه نقطه‌ای ایده به پایان می‌رسد و بیان آغاز می‌شود؟» مروری بر معروف‌ترین تلاش‌ها جهت تعیین مرز بین ایده و بیان در ادامه می‌آید:

۱۲۹

در پرونده شرکت پلیکس پروداکتس^{۱۷}، کارکنان شرکت (خواهان) بسته‌های پلاستیکی طراحی کردند که برای حمل کیوی استاندارد بود. هیئت بازاریابی کیوی (خواننده) مشخصات این بسته‌بندی را به طور شفاهی به یک طراح آموزش داد تا اقدام به تولید این بسته‌ها کند، اما طراح هرگز بسته‌های خواهان را ندید. با این حال خواهان دعوی نقض کپی‌رایت اقامه کرد.

قاضی پریچارد (Justice Pritchard) اظهار داشت: «طراحی که ایده یا مفهوم کلی یک محصول (و نه بیشتر) به او داده شده، ممکن است بتواند با به‌کارگیری مهارت خود و دانش مستقل، محصولی را طراحی کند که شکل اثر مورد حمایت کپی‌رایت را بازسازی کند یا نکند. من این را یک اثر مستقل در نظر می‌گیرم، نه کپی‌برداری ... این گزاره مرتبط با مسئله دوگانگی ایده و بیان است که احتمالاً دشوارترین مفهوم حقوق کپی‌رایت است. درحقیقت دو نوع ایده در ایجاد هر اثر وجود دارد ... ایده کلی یا مفهوم اصلی اثر که در ذهن پدیدآورنده شکل می‌گیرد. این ایده به‌عنوان یک فکر در ذهن پدیدآورنده است، نه کپی‌شده ... صرف عمل سامان دادن یک مفهوم کلی در یک شکل محسوس، منجر به انحصار در مفهوم نمی‌شود ... سپس مرحله بعد یعنی نوع دوم ایده است. پدیدآورنده اثر به ندرت ممکن است بتواند مفهوم اصلی را بدون مجهز کردن به جزئیات شکل و قالب، بیان کند. هر پدیدآورنده‌ای از مهارت، دانش خود در موضوع، نتایج تحقیقات خویش،

17. Plix Products Ltd v. Frank M. Winstone (Merchants) Ltd [1986] F. S. R. 63 (New Zealand: High Court), affirmed [1986] F. S. R. 608 (New Zealand: Court of Appeal).

تصورات خود در شکل‌دهی به ایده خود که چگونه مفهوم اصلی را بیان کند استفاده می‌کند. همه این طرق بیان ریشه در ذهن پدیدآورنده دارند (ایده هستند). زمانی که این ایده‌ها در قالب عینی سامان یابند، کپی‌رایت مستقر می‌شود. البته که دشواری در تعیین آن است که کجا مفهوم اصلی پایان می‌یابد و عمل بیان مفهوم آغاز می‌شود ... این یک مرز نامشخص است. ممکن است هیچ فرمول کلی که با استفاده از آن بتوان خط بین ایده کلی و بیان آن ایده توسط پدیدآورنده را معین کرد وجود نداشته باشد ... شیوه پردازش ایده توسط پدیدآورنده، قالبی که برای بیان مفهوم اصلی استفاده می‌کند ممکن است از خام و ساده، تا پیچیده و پر آب و تاب گسترده باشد. همین جاست که پدیدآورنده مهارت و پشتکاری (حتی اگر ناچیز) صرف می‌کند که به اثر اصالت می‌بخشد و او را شایسته کپی‌رایت می‌کند. هرکس آزاد است از ایده اصلی استفاده کند ... اما هیچکس نمی‌تواند اشکال تکامل‌یافته توسط پدیدآورنده در فرایند بیان ایده اصلی را برای خود بردارد. بنابراین اگر کسی که به دنبال ساخت محصولی با همان وصفی که فرد دیگری در آن کپی‌رایت دارد است، جزئیاتی را کپی کرده باشد که متعلق به بیان است و نه مفهوم اصلی، او کپی‌رایت را نقض کرده است. به این دلیل است که زمانی که ایده اصلی در یک قالب خام و ساده بیان شده باشد، سارق ادبی بالقوه یا رقیب تجاری می‌تواند بدون تخلف، به بازسازی دقیق اثر بسیار نزدیک شود. اما در جایی که بیان آراسته و پر جزئیات است، او باید فاصله خود را حفظ کند. در نتیجه تنها محصولی که می‌تواند بدون نقض بسازد ممکن است تنها شباهت اندکی به اثر مورد حمایت کپی‌رایت داشته باشد» (Vaver, 2002, pp.27-28).

چنان که ملاحظه شد در این دعوا قاضی میان دو نوع ایده، یعنی ایده کلی و ایده مجهز به جزئیات لازم برای تجلی ایده کلی در یک قالب عینی، تفکیک قائل می‌شود. جایگاه این ایده‌ها در ذهن پدیدآورنده است و مادامی که نتیجه تلفیق این ایده‌ها بروز نیابد، محلی برای اعطای انحصار وجود ندارد. حتی بیان ایده نیز اگر چنان ساده باشد که شائبه بازگویی صرف ایده در مورد آن وجود داشته باشد، اثر شایسته حمایت کپی‌رایت محقق نمی‌شود.

مورد دوم، پرونده نیکولاس است.^{۱۸} در این پرونده مسئله آن است که آیا فیلم سینمایی خوانده، کپی‌رایت خواهان در یک نمایش قدیمی معروف را نقض می‌کند یا خیر. با وجود شباهت طرح‌ها و این حقیقت که تهیه‌کننده فیلم، نمایش خواهان را می‌شناخت، دادگاه هیچ گونه نقضی نیافت.

18. Nichols v. Universal Pictures Corp., 45 F. 2d 119 (U. S.: Court of Appeals, 2nd Cir., 1930).

قاضی هاند (Learned Hand) در این خصوص اظهار داشت: «در باره نمایش‌ها، بحث بیشتر بر ویژگی‌های خاص و سلسله رویدادها متمرکز است، این‌ها ماده اصلی هستند ... هر چقدر که ویژگی‌های خاص کم‌تری ایجاد شود، از کپی‌رایت کم‌تری برخوردار است. این جریمه‌ای است که به خاطر نمایش مبهم و نامشخص به پدیدآورنده تحمیل می‌شود ... ما هردو [اثر] را در ارتباط با رویدادها و ویژگی‌های خاص در نظر می‌گیریم. خواننده چیزی بیش از آنچه که قانون مجاز می‌داند کپی نکرده. داستان‌ها کاملاً متفاوتند، تنها موضوع مشترک بین هر دو، نزاع بین دو شخصیت، ازدواج فرزندان‌شان، تولد نوه‌ها و آشتی آن دو است ... کپی‌رایت خواهان، همه آنچه ممکن است برگرفته از نمایش او باشد را پوشش نمی‌دهد و محتوای نمایش تا حدی وارد قلمرو عمومی شده است. ما باید تصمیم بگیریم چقدر و حال آنکه میدانیم این خط هرکجا که ترسیم شود، سلیقه‌ای به‌نظر می‌رسد که این بهانه‌ای برای عدم ترسیم آن نیست» (Vaver, 2002, pp.28-29).

در این پرونده قاضی طرح کلی را ایده در نظر می‌گیرد و کپی آن را نقض تلقی نمی‌کند. به عقیده او، میزان جزییات در پردازش ویژگی‌ها در تقویت کپی‌رایت مؤثر است و حتی در مورد شخصیت‌ها یا رویدادها هم کپی‌برداری کلیات، مثبت نقض نیست.

قضات در هردو پرونده مذکور، ضمن ترسیم مرز میان ایده و بیان، به دشواری آن اذعان دارند. این تفکیک در هر پرونده به تشخیص قاضی و به شکل موردی صورت می‌گیرد و نمی‌توان قاعده یا فرمول خاصی برای آن ارائه کرد و این همان چیزی است که به فرضیه ادغام ایده و بیان دامن می‌زند.

۴. نتایج تفکیک ایده و بیان

این اصل که از ایده‌ها حمایت نمی‌شود و تنها بیان ایده مشروط بر اینکه اصیل و خلاقانه باشد مورد حمایت قرار می‌گیرد، نتایجی به‌دنبال دارد که در ادامه، با طرح چند پرونده برای مثال خواهد آمد.

۴-۱. شناسایی پدیدآورنده

در پرونده دونه‌یو، او که یک سوارکار معروف بود موافقت کرد برای تهیه مقالاتی در مورد حرفه مسابقات اسب دوانی، با روزنامه اخبار جهان (News of the World) مصاحبه‌ای اختصاصی انجام دهد. روزنامه‌نگار روزنامه، فلستد (Felstead)، با استفاده از نوشته‌های یادداشت شده حین

مصاحبه، پیش‌نویس مقالات را نوشت. او پیش‌نویس‌ها را به دونه‌یو نشان داد و بر اساس نظرات او تغییراتی هم ایجاد کرد. مقالات در زمان مقرر منتشر شدند. فلستد بعد از مدتی درخواست نشر مجدد مقالات در یک روزنامه دیگر را مطرح کرد. اخبار جهان موافقت کرد، اما دونه‌یو با این ادعا که او دارنده کپی‌رایت و پدیدآورنده مصاحبه‌ها است، درخواست او را رد کرد. پس از انتشار یکی از مقالات علیرغم خواست دونه‌یو، او درخواست حکم منع کرد.^{۱۹}

در دادگاه بیان شد که کپی‌رایت در شکل خاص زبانی وجود دارد که به واسطه آن، اطلاعات به کسانی که تمایل به خواندن یا تماشای آن داشتند منتقل شده. ایده هرچقدر هم اصیل باشد باز هم ایده است و به شکل کلمات یا هر شکل بیان درنیامده پس کپی‌رایت ندارد. در این پرونده ایده توسط خواهان تأمین شده، اما قالب خاص زبانی برای انتقال آن، زبان آقای فلستد است، نه خواهان. خواهان پدیدآورنده یا شریک در آن نیست (Vaver, 2002, pp.22-23).

۴-۲. برداشت ایده و نقض

در پرونده بومن مجله‌ای بدل یک عکس رنگی را منتشر کرد که خواهان در کوبا از نبرد دو خروس گرفته بود. هنرمند خواننده آن را دوست داشت، به دیوار آویخت و تصویری بر اساس آن عکس طراحی کرد. این تصویر توسط یک دلال هنری فروخته شد. خواهان شکایت کرد که نقض کپی‌رایت توسط خواننده صورت گرفته، اما این ادعا در دادگاه بخش و دادگاه تجدید نظر رد شد.^{۲۰}

قاضی دیل (Judge Dale) در دادگاه بخش خاطر نشان کرد: «کسی انکار نمی‌کند که تصویر توسط عکاس الهام شده بود، ولی صرف اخذ ایده نقض نیست. باید در نظر گرفت که آیا این تصویر یک کپی‌برداری از عکس است یا خیر... در عکس نور خورشید و سایه و بخشی از هنر عکاس هست، ولی در تصویر هیچ سایه‌ای به‌عنوان یک بخش سازنده وجود ندارد... به‌نظر من افکت تصویر کاملاً با عکس متفاوت است. البته شباهت‌هایی وجود دارد، مانند حالت خروس‌ها و ناخن‌پرنده‌ها که نشان می‌دهد خواننده از الهام خواهان استفاده کرده، کپی نکرده، ولی اثر هنری خود را به وجود آورده».

قاضی دادگاه تجدید نظر سامرول (Lord Justice Somervell) افزود: «آنچه خواننده اخذ کرده

19. Donoghue v. Allied Newspapers Ltd) 1938 (Ch. 106 (U. K.: High Court).

20. Bauman v. Fussell [1978] R. p.C. 485 (U. K.: County Court & Court of Appeal, 1953).

بخش اساسی اثر خواهان نیست ... موردی را تصور کنید که عکاس ترتیب اصیلی از اشیاء جاندار و بی جان ایجاد می‌کند تا از آن عکس بگیرد ... اینجا طرح اثر خود اوست. من فکر می‌کنم حالت پرندگان در اینجا چنین نیست» (Vaver, 2002, pp.24-25).

۴-۳. امکان ادغام ایده و بیان

فرض کنید (الف) به یک بازی صفحه‌ای جدید می‌رسد. یک صفحه جدید طراحی می‌کند، قواعد را می‌نویسد و بازی را عرضه می‌کند که به موفقیت بزرگی دست می‌یابد. (ب) می‌خواهد یک بازی رقیب بسازد. او صفحه‌ای متفاوت طراحی می‌کند، اما قواعد را کپی می‌کند. آیا او مرتکب نقض شده است؟ به طور معمول بله. بازی یک ایده است و راه بیان آن از طریق صفحه (اثر هنری) و قواعد (اثر ادبی) است، اما گاهی قواعد بسیار ساده هستند، چنانکه تنها راه‌های اندکی برای نگارش آنها وجود دارد و بنابراین ممکن است ایده و بیان ادغام شوند. اگر چنان باشد، (ب) حتی با وجود کپی برداری قواعد، حق کپی‌رایت (الف) را نقض نکرده است.

۱۳۳

حقوق اسلامی / مبانی تفکیک ایده از بیان

در دعوای مورسیسی خواهان ادعا کرد حق کپی‌رایت قواعد یک بازی تبلیغاتی متعلق به اوست. قواعدی به سادگی «داوطلبان باید نام، نشانی و شماره تأمین اجتماعی خود را روی ... یک کاغذ ساده بنویسند» یا «از شماره تأمین اجتماعی صحیح متعلق به داوطلب استفاده شود. شماره اشتباه مردود خواهد بود». خواننده این قواعد را با تغییرات بسیار اندک برای رقابت تبلیغاتی خود کپی کرد. در نهایت، ادعای خواهان رد شد.²¹

رئیس دادگاه آلدریج (Chief Justice Aldridge) بیان کرد: «زمانی که موضوع غیرقابل حمایت کپی‌رایت به قدری محدود است که عنوان ضرورتاً آن را لازم می‌داند و اگر تنها شکل بیان نباشد در بهترین حالت تنها تعداد محدودی بیان هست، اعطای کپی‌رایت بدین معنا خواهد بود که فرد یا افرادی با انحصاری کردن چند قالب انگشت‌شمار، همه امکان‌های استفاده از ماده در آینده را از بین ببرند» (Gorman, 2006, pp.27-28). در چنین شرایطی به نظر درست نمی‌رسد که گفته شود هر شکل خاصی از بیان، از موضوع ناشی می‌شود. با این حال ضروری است گفته شود که با تجویز انحصار در بیان، موضوع اختصاصی می‌شود. نمی‌توانیم کپی‌رایت را به عنوان بازی شطرنجی که همه مردم در آن مات می‌شوند بپذیریم. موضوعات متضمن قاعده بسیار ساده و روشن هستند. در

21. Morrissey v. Procter & Gamble Co., 379 F. 2d 675 (U. S.: Court of Appeals, 1st Cir., 1967).

این شرایط گفته می‌شود که کپی‌رایت هرگز به موضوع و ماده تسری نمی‌یابد و خواهان نمی‌تواند شکایتی بکند، حتی اگر بیان خاص او تعمداً اقتباس شده باشد (Vaver, 2002, p.26). اساساً دادگاه در چنین مواردی دو راه پیش رو دارد: نخست آنکه از بیان اولین کاربر حمایت کند و پدیدآورندگان بعدی را ملزم به بازسازی قواعد رقابت‌ها نماید. دوم آنکه اعلام کند بیان نخست چنان به‌طور اساسی با ایده گره خورده که نمی‌توان از آن حمایت کرد. دادگاه در این دعوا ماهیت غیرممکن انتخاب اول را تشخیص داد و به‌نظریه ادغام روی آورد (Fauset, 2008, p.142).

۵. ابزارهای اجرایی اصل دوگانگی ایده و بیان

چنانکه گذشت، دشوارترین بخش اعمال اصل دوگانگی، ترسیم مرز بین ایده و بیان است. در بیشتر موارد این مرز چنان ظریف است که موجب انحراف دادگاه‌ها در تشخیص موضوع حمایت می‌شود. در چنین مواردی دوگانگی ایده و بیان تنها یک ابزار ناکارآمد ارائه می‌کند که برای دادگاه‌ها کاربرد محدودی دارد. بنابراین معیارهای دیگری نیز برای این مرزبندی لازم است. در همین راستا، در بحث پیش رو ابتدا نظریات ادغام و توابع لازم را به‌عنوان ابزارهای اجرایی اصل دوگانگی ایده و بیان به‌طور مفصل مورد بررسی قرار داده و سپس به تعیین حدود و ثغور این دو نظریه می‌پردازیم.

۵-۱. نظریه ادغام

ترسیم مرز ایده و بیان برای تضمین این است که پدید آورندگان تنها نسبت به بیان اصیل خود حق انحصاری دریافت کنند، درحالی‌که اگر بیان از ایده جدایی‌ناپذیر باشد، اعطای حق انحصاری منجر به کسب انحصار نسبت به خود ایده شده و مانع نشر دانش می‌شود (Hebl, 2007, p.140). در چنین شرایطی نظریه ادغام با منع حمایت از بیان ادغام شده با ایده، از تضییق قلمرو عمومی جلوگیری می‌کند. در این بخش برای آشنایی با نظریه ادغام، ابتدا مفهوم نظریه و سپس مبدأ آن بررسی می‌شود.

۵-۱-۱. مفهوم نظریه

نظریه ادغام نظریه‌ای برخاسته از حقوق دعاوی کپی‌رایت ایالات متحده آمریکا است که غالباً به‌عنوان دفاعی بر اتهام نقض برخاسته از شباهت‌های اساسی میان آثار یا عناصری از آنها مطرح

می‌شود.

گاهی ایده یک اثر را می‌توان تنها به یک روش یا روش‌های محدودی بیان نمود، به گونه‌ای که ایده، بیان خود را تحمیل می‌کند (McJohn, 2006, p.86). این امر می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. در برخی موارد ممکن است ایده‌ای که بیان می‌شود یک ایده فنی باشد که به راستی تنها به روش‌های اندکی بتوان آن را بیان کرد، مثلاً از طریق یک فرمول ریاضی. در موارد دیگری مانند گردآوری داده‌ها، ممکن است انعطاف کمی در ارائه داده به گونه‌ای که آن را برای خواننده مفید و کاربردی کند وجود داشته باشد. گاهی یک اثر ممکن است نقشی در اجرای یک سیستم یا فرایند داشته باشد که نیازمند کپی نزدیک اثر باشد.^{۲۲} در چنین مواردی نظریه ادغام با انکار حمایت، تضمین می‌کند که چنین حمایتی ابزار انحصار بخشی به ایده، سیستم یا محتوا نخواهد بود. در نتیجه، کپی بیان اثر تا جایی که برای بیان ایده لازم است، مجاز است؛ زیرا در غیر این صورت، بیان آن ایده اگر غیر ممکن نباشد دشوار خواهد بود. این نظریه، ادغام نامیده شده؛ زیرا زمانی که چنین شرایطی رخ دهد گفته می‌شود بیان با ایده ادغام شده است (Holbrook, 2008, pp.26-27). لازم به ذکر است که نظریه ادغام حمایت را تنها در حد ایده‌های مربوطه محدود می‌کند و کپی برداری فراتر از ضرورت استفاده از ایده را مجاز نمی‌داند؛ برای مثال توضیحات روی برچسب یک محصول، در بیشتر موارد طرح‌های خلاقانه‌ای هستند که استحقاق حمایت کپی‌رایت را دارند، اما گاهی طبیعت محصول، ماهیت توضیحات را تحمیل می‌کند. به احتمال زیاد، تصویر چوب دارچین روی یک جعبه حاوی چای دارچین مشاهده خواهد شد و چنین تجسماتی توسط کپی‌رایت حمایت نمی‌شوند، اما اگر یک فروشنده چای دیگر، علاوه بر تصویر چوب دارچین، جزئیات دیگر جعبه مانند سایه روشن‌ها یا ترتیب عناصر را کپی کند ناقض است (McJohn, 2006, p.86). دادگاه‌ها با ادبیات متفاوتی نظریه ادغام را تعریف کرده‌اند: «اگر در توضیح اینکه یک اثر چگونه بیان شده است، توضیح، اندکی متفاوت از توضیح ساده اینکه اثر چیست باشد، بنابراین ایده و بیان منطبق هستند».^{۲۳} در عبارات دادگاهی دیگر «اگر یک اثر را نتوان در عبارات مجرد تعریف کرد، بیان

۱۳۵

۲۲. مانند آنچه در دعوی بیکر و سلدن مشاهده شد.

23. Sid & Marty Krofft Television Prods. v. McDonald's Corp., 562 F. 2d 1157, 1168 n. 10 (9th Cir. 1977) ; Concrete Machinery Co. v. Classic Lawn Ornaments, 843 F. 2d 600, 606 (1st Cir.), aff'd, 867 F. 2d 606 (1st Cir. 1988).

چیزی بر ایده نمی‌افزاید»^{۲۴}، پس زمانی که بیان‌ها به قدری ساده و آسان هستند که درحقیقت، مستقیماً از ماده غیرقابل حمایت ناشی می‌شوند، هیچ ایجاد بدیع اصیلی وجود ندارد. دادگاه‌ها همچنین درجاتی از ادغام را به رسمیت می‌شناسند: گاهی یک بیان برای یک ایده واجب یا ضروری به‌نظر می‌رسد. در چنین شرایطی حمایت از بیان منجر به اعطای انحصار به ایده می‌شود که برخلاف مفاد کپی‌رایت است. در نتیجه، از شیوه بیانی که ضرورتاً توسط موضوع متضمن آن تحمیل شده حمایت نمی‌شود. در شرایط دیگر، دادگاه‌ها نتیجه می‌گیرند که ایده و بیان جدا نشدنی نیستند، اما تنها روش‌های محدودی برای بیان یک ایده امکان‌پذیر است. بنابراین، به‌موجب این نظریه، قلمرو حمایت تنها با امکان تنوع بیان‌ها توسعه می‌یابد (Jones, 1990, pp.576-577).

به‌هرحال، تعیین اینکه آیا ایده و بیان آن ادغام شده‌اند یا خیر، «توجه شایان» دادگاه را می‌طلبد؛ زیرا به‌کارگیری آزادانه نظریه، منجر به تفریط در حمایت و کاربرد مضیق آن منجر به افراط در حمایت می‌شود (Fauset, 2008, p.142).

به‌نظر می‌رسد برخی دادگاه‌ها تصور می‌کنند ادغام ایده مجرد و بیان تنها نوع ادغامی است که حقوق کپی‌رایت به رسمیت شناخته است. این نادرست است. یکی از دلایل سردرگمی دادگاه‌ها در مورد نظریه ادغام این است که دادگاه‌ها اصطلاح «ایده» را به دو شکل متفاوت استفاده می‌کنند: یکی، به‌عنوان توضیحی درباره مفاهیم و اصول انتزاعی در آثار دارای حق کپی‌رایت که در حیطه حمایت قانون قرار ندارند و دوم، به‌عنوان استعاره‌ای از عناصر غیرقابل حمایت در آثار دارای حق کپی‌رایت، مانند آیین‌ها، فرآیندها، سیستم‌ها، روش‌های عملکرد، واقعیات و کارکردها که به‌موجب بند b ماده ۱۰۲ قانون کپی‌رایت ایالات متحده خارج از قلمرو حمایت هستند. برخی دادگاه‌ها می‌انگارند ایده‌های انتزاعی تنها نوع عناصر غیرقابل حمایت در آثار مورد حمایت هستند و این ادغام فقط می‌تواند در مورد ایده‌های انتزاعی و بیان‌هایی صورت گیرد که هیچ گزینه دیگری برای آنها وجود ندارد. اما می‌توان ادغام ایده و بیان را به‌عنوان یک چتر استعاری دانست که انواع خاصی از ادغام‌ها در زیر آن وجود دارند (Samuelson, 2016, p.442).

انواع گوناگونی از ادغام در حقوق دعاوی کپی‌رایت وجود دارد. نظریه ادغام واقعیت و بیان در

24. Midway Mfg. Co. v. Bandai-America, Inc., 546 F. Supp. 125, 148 n. 23 (D. N. J. 1982), cert. denied, 475 U. S. 1047 (1986).

رأی حوزه قضایی دوم در پرونده نیمکس^{۲۵} به رسمیت شناخته شد.^{۲۶} نظریه ادغام قانون و بیان در رأی حوزه قضایی پنجم در پرونده ویک^{۲۷} مشخص شد.^{۲۸} نظریه ادغام فرآیند و بیان نیز در برخی دعاوی برنامه‌های رایانه‌ای مورد توجه قرار گرفته است.^{۲۹} از آنجاکه پرونده بیکر به‌عنوان پرونده ادغام در نظر گرفته می‌شود، می‌تواند نمونه‌ای از ادغام سیستم و بیان باشد؛ زیرا انتخاب و تنظیم ستون‌ها و سرفصل‌ها در کتاب سلدن، نمونه‌سازی سیستم محاسبه او بوده است. دادگاه‌ها همچنین ادغام کارکرد و بیان را درخصوص آثار معماری به رسمیت شناخته‌اند.^{۳۰}

همچنین، در ساختارهای دستوری برنامه‌های کامپیوتری و رابط‌های برنامه نویسی کاربردی، کارکرد و بیان چنان در هم آمیخته‌اند که باید خارج از قلمرو حمایت قرار گیرند. حقوق کپی‌رایت از رابط برنامه‌نویسی کاربردی تا جایی که برای تحقق کارکردپذیری بینابینی لازم است حمایت نمی‌کند (Samuelson, 2017, p.1279)؛ چراکه کارکرد برنامه نیازمند تعامل با سخت‌افزارها و برنامه‌های دیگر (سازگاری) است.

25. N. Y. Mercantile Exchange, Inc. v. Intercontinental Exchange, Inc. 497 F. 3d 109 (2d Cir. 2007).

۲۶. نیمکس اظهار داشت که بیان در ساخت قیمت‌های تسویه ادغام شده است؛ زیرا فعالان بازار قیمت‌ها را بیانی از «واقعیت تجربی، حقیقت اقتصادی درباره جهان» در نظر می‌گرفتند.

27. Veeck v. Southern Building Code Congress International. 293 F. 3d 791 (5th Cir. 2002).

۲۸. در این پرونده بیان شد که کدها در ابتدا که نوشته شدند بیان اصیل و خلاقانه‌ای ارائه دادند، اما پس از تصویب به‌عنوان قانون، کدها «بیان منحصر به فرد و تغییرناپذیر» ایده‌ای هستند که قانون محلی را تشکیل می‌دهد. استفاده از «متن دقیق قوانین» ضروری است تا دادگاه‌ها و کسانی که از این قوانین پیروی می‌کنند، بتوانند این قوانین را به‌درستی تفسیر کنند.

۲۹. مفهوم ادغام فرآیند و بیان نخستین بار در پرونده شرکت بازی‌های آتاری بیان شد: Atari Games Corp. v. Nintendo of America, Inc. 975 F. 2d 832 (Fed. Cir. 1992). شرکت آتاری نرم‌افزار شرکت نینتندو را مهندسی معکوس کرد و از اطلاعات به‌دست آمده برای سازگاری بازی‌های خود با دستگاه‌های نینتندو استفاده نمود. دادگاه اعلام کرد اگر برای دستیابی به سازگاری با پلتفرم نینتندو، استفاده از کدهای دقیق آن لازم باشد، با ادغام فرآیند و بیان روبرو هستیم.

۳۰. برای مثال در پرونده زلوسکی: Zalewski v. Cicero Builder Dev., Inc., 754 F. 3d 95, 105 (2d Cir. 2014).

حوزه قضایی دوم تشخیص داد که ممکن است ملاحظات کارایی، به‌طور قابل توجهی طراحی ساختمان‌ها را تحمیل کند. عناصر طراحی تا جایی که قابل اسناد به کدهای ساخت، نقشه‌برداری، سازه‌هایی که از قبل در محل ساخت وجود داشته‌اند یا ضرورت مهندسی باشند، نباید حمایت شوند. دادگاه همچنین اظهار کرد شیوه‌های ساخت و تکنیک‌های مهندسی صحیح و نیز ویژگی‌های کاربردی مانند طرح زیربنای الکتریکی، گرمایشی و لوله‌کشی غیرقابل حمایت هستند.

۵-۱-۲. مبدأ نظریه

برخی معتقدند نظریه ادغام ایده و بیان ریشه در رأی دیوان عالی در سال ۱۸۷۹ در پرونده بیکر و سلدن^{۳۱} دارد، برخی نیز پرونده مورسیسی^{۳۲} را مبدأ آن می‌دانند، اما چنین نیست. این نظریه به همین ترتیب و با همین نام در آراء دعوی شرکت کامپیوتری اپل زاده شد.^{۳۳} در این پرونده، تولیدکننده یک کامپیوتر که برای رقابت با اپل طراحی شده بود استدلال کرد که برداری دقیق برنامه‌های سیستم عامل اپل، برای اینکه کامپیوترهایش بتوانند برنامه‌های کاربردی که برای اپل نوشته شده را اجرا کنند ضروری بود. «اگر بتوان برنامه‌های دیگری نوشت یا ایجاد کرد که همان کارکرد برنامه‌های سیستم عامل اپل را ارائه دهند، پس آن برنامه بیان یک ایده است و در نتیجه قابل حمایت کپی‌رایت. این تحقیق، ذاتاً با تحقیقی که انجام شد تا تعیین کند آیا بیان و ایده ادغام شده یا خیر فرقی ندارد، تحقیقی که گفته شده در جایی رخ میدهد که یک روش یا روش‌های اندکی برای بیان ایده خاص وجود دارد»؛ زیرا فرانکلین تأیید کرده بود که حداقل بعضی برنامه‌های سیستم عامل را میشد دوباره نوشت (در نتیجه بیان توسط کارکرد برنامه تحمیل نشده بود و ادغام محقق نبود) و دادگاه بخش به یافته‌ای دست پیدا نکرد که برنامه‌های اپل را نمی‌شد مجدداً نوشت. رد دفاع ادغام توسط حوزه قضایی سوم مستدل بود.

پس از این دعوا، نظریه ادغام قاطعانه در حقوق دعوی کپی‌رایت ایالات متحده دوام داشته است. البته پیش از این، پرونده‌هایی به‌عنوان پیش‌زمینه نظریه ادغام وجود داشته که هرکدام بر یک یا ترکیبی از نکات زیر تمرکز کرده‌اند:

ضرورت به‌کار بردن همان بیان یا بیان مشابه، تحمیل بیان خاص توسط کارکرد، اجتناب‌ناپذیری شباهت‌ها و فقدان اصالت به‌دلیل محدودیت بیان‌های دیگر (Samuelson, 2016, p.420).

با هدف طرح پرونده‌های بیشتر در راستای کمک به قضات و کارشناسان در تشخیص محل اعمال نظریه و سهولت تمییز ایده و بیان، هریک از این موارد ضمن طرح پرونده‌های مربوطه توضیح داده می‌شود:

31. Baker v. Selden, 101 U. S. 99 (U. S.: Supreme Court, 1879).
32. Morrissey v. Procter & Gamble Co., 379 F. 2d 675 (U. S.: Court of Appeals, 1st Cir., 1967).
33. Apple Computer, Inc. v. Franklin Computer Corp. 545 F. Supp. 812, 823 (E. D. Pa. 1982), rev'd, 714 F. 2d 1240, 1253 (3d Cir. 1983).

وکلا این پرونده برای اولین بار واژه «ادغام» را وارد ادبیات حقوق دعوی کردند.

ضرورت به کار بردن همان بیان یا بیان مشابه: به نظر می‌رسد نخستین پیش‌زمینه ادغام، دعوی امرسون^{۳۴} بوده باشد که در آن به دلیل شباهت‌های متون آموزشی حسابداری، ادعای نقض کپی‌رایت مطرح شد. در این دعوا قاضی استوری (Justice Story) خاطر نشان کرد «اشکال هندسی ضرورتاً باید در همه آثار شبیه به هم باشند، این امر در درجه عالی نسبت به اشکال معماری یا ساختمانی اعمال می‌شود، زمانی که آنها توضیحات چیزهای مورد استفاده باشند ... جایی که دو اثر، شکل سقف‌های به کار برده شده را شرح می‌دهند، لزوماً باید اشکال مشابهی ایجاد کنند» (Copyright Office, et al., 1980, p.862). در این دعوا به دلیل این شباهت‌های لازم حکم نقض صادر نشد، اگرچه شباهت‌های دیگری بین دو اثر وجود داشت که برای توجیه ارسال پرونده به هیئت منصفه، به اندازه کافی اهمیت داشت.

دعوی بیکر و سلدن یکی دیگر از دعاوی پیش‌زمینه ادغام است که شامل شباهت‌های اساسی است. در این دعوا دیوان عالی بیان داشت که کپی‌رایت کتاب سلدن، از توضیح او در خصوص سیستم محاسبه جدیدی که ایجاد کرده بود حمایت می‌کند، اما به خود سیستم محاسبه یا قالب‌هایی که آن سیستم را نمونه‌سازی کردند تسری نمی‌یابد. برای نمونه، این بیان قاضی در دعوی بیکر، در پشتیبانی از این بحث که این پرونده نظریه ادغام را ایجاد کرد، مطرح شد: «اگر نتوان فنی را که کتاب می‌آموزد، بدون استفاده از شیوه‌ها یا نمودارهایی که در توضیح کتاب به کار برده شده، مورد استفاده قرار داد یا مواردی شبیه به آن، چنین روش‌ها یا نمودارهایی باید به‌عنوان توابع لازم آن فن در نظر گرفته شوند و در نتیجه به عموم داده شوند» (Gorman, 2006, p.24). دعوی بیکر را می‌توان به‌عنوان یک پرونده ادغام تفسیر نمود، اگرچه این تفسیر، پیام اصلی که دادگاه در صدد انتقال آن بود نیست.

تحلیل بیان خاص توسط کارکرد: دومین رویکردی که در حقوق دعاوی پیش‌زمینه ادغام توسط دادگاه‌ها اتخاذ شد این بود که گفته شد آثار یا عناصری که ادعا شده مورد نقض هستند، تا جایی که به خاطر ملاحظات کارکردی تحمیل شده باشند غیرقابل حمایت هستند (Samuelson, 2016, p.423).

برای مثال در دعوی شرکت مشاوران تزینی خواهان ادعا کرد که خواننده یک طرح و گروهی از دستوراتی که روی بسته‌بندی محصولاتش بود را کپی کرده بود تا توضیح و نشان دهد که چگونه

34. Emerson v. Davies, 8 F. Cas. 615 (C. C. Mass. 1854) (No. 4,436).

برای تزیینات پرده، چین ایجاد کنیم و چگونه برای آویختن پارچه روی میله، قلاب‌ها را پشت آن جای دهیم. در حالی که شباهت‌های جدی بین طرح‌ها و زبان دستوری خواننده و خواهان وجود داشت، دادگاه نتیجه‌گیری کرد که این‌ها توسط «ملاحظات کارکردی تحمیل شده بودند» و بنابراین حمایتی صورت نگرفت.^{۳۵}

اجتناب‌ناپذیری شباهت‌ها: سومین رویکرد در دعوی شرکت جواهر فروشی هربرت روزنتال پدیدار شد. در این دعوا دادگاه چنین حکم داد که خواننده کپی‌رایت خواهان را نقض نکرده؛ زیرا ایده سنجاق زنبور جواهراندود از بیان آن «غیرقابل تفکیک» است. به‌جز استفاده از شکل زنبور با پوشش جواهر که در هر دو اجتناب‌ناپذیر بود، شباهت هنگامت دیگری بین سنجاق‌های خواهان و خواننده نبود. جدایی‌ناپذیری ایده و بیان به این معنا بود که خواننده آزاد بوده بیان خواهان را کپی کند؛ زیرا در غیر این صورت حقوق کپی‌رایت انحصار در ایده خلق سنجاق‌های زنبور جواهراندود اعطا خواهد کرد که خلاف مفاد آن است.^{۳۶}

فقدان اصالت به دلیل محدودیت بیان‌های دیگر: رویکرد چهارم، کمبود بیان‌های موفق دیگر را به‌عنوان دلیل اینکه اثر مورد بحث، معیار اصالت کپی‌رایت را برآورده نمی‌سازد مطرح می‌کند؛ برای مثال پرونده شرکت بازرگانی سیگنو^{۳۷} که در آن خواهان در استخدام خواننده ۸۵۰ واژه و ۴۵ عبارت را از انگلیسی به عربی ترجمه کرده بود و سپس آن واژه‌های عربی و عبارات کوتاه را کلمه به کلمه به حروف رومی نقل کرده بود. خواننده پس از فسخ قرارداد، این ترجمه را به‌همراه املاهای آوا شناختی برای محصول ترجمه الکترونیکی خود کپی کرد. دادگاه تأیید کرد که ترجمه‌ها به‌طور کلی قابل حمایت هستند، اما ترجمه خواهان فاقد اصالت است؛ زیرا «هنگامی که مشخص شد از چه گویشی استفاده می‌شود، ترجمه لیست کلمات که در درجه اول از کلمات منفرد تشکیل شده است، یک فرایند نسبتاً مکانیکی است که اگر اصالت بخواهد، کمی از آن را می‌طلبد». نقل‌های کلمه به کلمه هم به همین ترتیب عناصر غیر اصیل بودند. «املاهای آوا شناختی کلمات خارجی با استفاده از حروف استاندارد رومی، اصالت کافی برای برخورداری از قابلیت حمایت کپی‌رایت را

35. Decorative Aides Corp. v. Staple Sewing Aides Corp. 497 F. Supp. 154, 156-67 (S. D. N. Y. 1980).

36. Herbert Rosenthal Jewelry Corp. v. Kalpakian. 446 F. 2d 738 (9th Cir. 1971).

37. Signo Trading Co. v. Gordon, ۵۳۵ F. Supp. 362 (N. D. Cal. 1981).

ندارد» (Vaver, 2002, pp.38-39).

آرای پیش‌زمینه ادغام قبل از دعوی شرکت کامپیوتری اپل،^{۳۸} که یک یا ترکیبی از این رویکردها را اتخاذ کردند را امروزه می‌توان به‌عنوان دعوی ادغام توصیف کرد؛ زیرا دادگاه‌ها اجماع دارند که «ادغام» نام نظریه‌ای است که مواردی را شرح می‌دهد که بیان ایده‌ها یا دیگر عناصر غیرقابل حمایت، تنها به روش‌های اندکی امکان‌پذیر است. درحالی‌که بیانات دعوی بیکر با نظریه ادغام سازگار است، نمی‌توان قاطعانه گفت که بیکر به ادغام تولد بخشیده است (Samuelson, 2016, pp.424-425).

۵-۲. نظریه توابع لازم (Scènes à Faire)

توابع لازم، نظریه‌ای فرانسوی است که برگردان آن به انگلیسی، «صحنه‌هایی که باید وقوع یابند» (Scenes Which Must be Done) معنا می‌شود.

فرهنگ واژگان وبستر این عبارت فرانسوی را «صحنه لازم: یک عنصر موقعیتی که برای نوعی خاص مرسوم است» ترجمه می‌کند.^{۳۹}

این نظریه به‌عنوان مکمل نظریه ادغام شناخته شده است که به‌طور خاص به موضوعاتی نظیر تصاویر موجود، داستان‌ها و رمان‌های مبتنی بر واقعیت، حکایات و نمودهای فرهنگ عامه، مناظر طبیعی و منابع متداول تصویری و فرهنگی می‌پردازد و آنها را از شمول حمایت خارج می‌کند (معینی و قادری، ۱۳۹۲، ص ۱۸۲ / Murray, 2006, p.4).

اعمال نظریه به این معناست که بیان‌های ناشی از یک منبع رایج، از خلاقیت پدید آورنده نشأت نگرفته و در عوض از قلمرو عمومی اخذ شده اند؛ در نتیجه مشمول حمایت نخواهند بود (Walker, 2020, p.444). از این‌رو نگارنده «توابع لازم» را ترجمه مناسبی که تجلی‌گر هم نام و هم مفهوم نظریه است می‌داند.

این عبارت برای نخستین بار در سال ۱۹۴۲ توسط قاضی یانکوویچ (Leon Rene Yankwich) در دعوی کین علیه شرکت یونیورسال پیکچرز^{۴۰} در حقوق دعوی کپی‌رایت ایالات متحده مطرح

38. Apple Computer, Inc. v. Franklin Computer Corp. 545 F. Supp. 812, 823 (E. D. Pa. 1982), rev'd, 714 F. 2d 1240, 1253 (3d Cir. 1983).

39. <http://www.merriam-webster.com/dictionary/sc%C3%A8ne%20%C3%A0%20faire>.

40. Cain v. Universal Pictures Co., 47 F. Supp. 1013 (S. D. Cal. 1942).

شد. در این دعوا کین (نویسنده رمان) علیه یونیورسال پیکچرز (فیلمنامه‌نویس و کارگردان فیلم «وقتی فردا می‌آید») دعوی نقض کپی‌رایت اقامه کرد. کین ادعا کرد صحنه‌ای از کتابش که در آن دو نقش اصلی از طوفان به یک کلیسا پناه می‌برند در صحنه‌ای از فیلم کپی شده است، اما نویسنده و کارگردان ادعا کردند کتاب را نمی‌شناختند و توالی رویدادها در کلیسا آن چیزی بود که از دوران جوانی خود و حضور منظم در کلیسای کاتولیک به یاد می‌آوردند. به‌علاوه، تهیه‌کننده فیلم تصدیق کرد که این صحنه‌ها در یک فیلم‌نامه قدیمی‌تر که توسط نویسنده دیگری ارائه شده بود وجود داشت.^{۴۱} قاضی این دیدگاه را اتخاذ کرد که «جزئیات ریز وقایعی که در کلیسا رخ داد، مانند نواختن پیانو، عبادت و... ذاتی آن موقعیت بودند. چنین شباهت‌ها و جزئیات لازم که در موقعیت یا محیط کار ضروری است، موادی نیستند که اصالت را تأمین کنند» (Lai, 2000, p.52). او حکم کرد که به‌جز توابع لازم (صحنه‌هایی که باید باشند) یا شباهت‌های مرسوم با توجه به موقعیت، هیچ شباهتی بین دو صحنه در کتاب و فیلم وجود نداشت.^{۴۲}

همین قاضی چند سال بعد در پرونده شوارتز، ضمن اشاره به دعوی کین و با کاربرد این عبارت فرانسوی (Scènes à Faire)، نظری مشابه اتخاذ نمود.^{۴۳}

در دعوی گیمن^{۴۴}، حوزه قضایی هفتم در تفسیر این نظریه اظهار داشت که نقض محقق نمی‌شود بر پایه عناصری که چنان «ابتدایی، رایج، استاندارد یا اجتناب‌ناپذیر هستند که برای تمایز یک اثر موجود در یک دسته آثار از اثر دیگر به‌کار نمی‌روند». قاضی در خصوص موضوع دعوا بیان کرد «اگر یک عیاش پیر مست (شخصیت مشابه در دو اثر) را یک شخصیت مورد حمایت کپی‌رایت بدانیم، ... یک اژدهای آتشین نفس، یک گربه سخنگو، ... یک جادوگر نقاب‌دار ... هم قابل حمایت خواهند بود. نوشتن آثار موفق داستانی، بدون مذاکره برای ده‌ها یا صدها مجوز کپی‌رایت دشوار خواهد بود، حال آنکه این شخصیت‌های کلیشه‌ای حاصل تصور خلاقانه نیستند، بلکه حاصل مشاهده ساده کمدی انسانی هستند». البته، اگرچه چنین شخصیتی به‌طور معمول قابل حمایت نخواهد بود، به‌این‌دلیل که خواهان جزئیات ادبی کافی برای این شخصیت را در راستای

41. <https://www.casetext.com>

42. https://en.wikipedia.org/wiki/Scènes_à_faire.

43. Schwartz v. Universal Pictures Co. 85 F. Supp 270 (S. D. Cal. 1945).

44. Gaiman v. McFarlane, 360 F. 3d 644, 659 (7th Cir. 2004).

کسب ماهیتی متمایز ثابت کرده بود، دادگاه از آن حمایت کرد. کلید این حمایت در توانایی پدیدآورنده در متمایز ساختن این شخصیت از مشابه آن در قلمرو عمومی، از طریق اشباع کردن شخصیت از اصالت کافی برای برخورداری از حمایت بود (Fauset, 2008, p.143).

قاضی کافمن (Kaufman) در دعوی هولینگ توابع لازم را «رویدادها، شخصیت‌ها یا موقعیت‌هایی که در عمل اجتناب‌ناپذیر هستند یا حداقل در مواجهه با یک موضوع مشخص، متداول هستند» تعریف می‌کند.^{۴۵}

به طور سنتی، توابع لازم، به طرح‌ها، ساخت شخصیت‌ها یا دیگر عناصری برمی‌گردد که به قدری اساسی هستند که «اجتناب‌ناپذیر» انگاشته می‌شوند و مورد انتظار هستند. مثلاً بینندگان انتظار دارند در انتهای یک معمای قتل، هویت قاتل آشکار شود یا یک کم‌دی رماتیک به ازدواج ختم شود. در هر مورد، انتظارات بینندگان دسته‌ای از سبک‌های نمایشی استاندارد ایجاد می‌کند و حذف هر یک از این عناصر بیننده را ناراضی می‌کند (Walker, 2020, p.444). این نظریه امروزه نسبت به عناصر برنامه‌نویسی که لازمه سخت‌افزار و محدودیت‌های فنی هستند نیز اعمال می‌شود. عناصری که به‌عنوان توابع لازم تعیین می‌شوند، به دلیل ماهیت غیرعمدی (انتقای نقش پدیدآورنده) یا حتی الزامی که دارند، حمایت دریافت نمی‌کنند و تشابه آنها در دو اثر تحقق نقض را اثبات نخواهد کرد (Fauset, 2008, p.144).

۵-۳. رابطه نظریه ادغام و نظریه توابع لازم

نظریه توابع لازم، همچون نظریه ادغام، از ابزارهای اعمال اصل دوگانگی ایده و بیان از نظریات محدودکننده احراز شرط اصالت می‌باشد (معینی و قادری، ۱۳۹۲، ص ۱۹۸). بی‌شک این دو نظریه در برخی جنبه‌ها هم‌پوشانی دارند و تشخیص آنها از یکدیگر دشوار است. دادگاه‌ها و مفسران گاهی آنها را اشتباه می‌گیرند یا بدون دقت در تمایز آنها، هردو را به طور هم زمان اعمال می‌کنند. با این حال، نظریات ادغام و توابع لازم در ویژگی اصلی خود متفاوت هستند: در نظریه ادغام، موضوع اصلی این است که آیا در عمل بیش از راه‌های اندکی برای بیان یک ایده مشخص وجود دارد یا خیر. برعکس، در پرونده‌های توابع لازم موضوع اصلی آن است که

45. Hoehling v. Universal City Studios Inc., 618 F. 2d 97 (U. S.: Court of Appeals, 2nd Cir., 1980).

آیا عناصر خاصی که بین دو اثر مشترک هستند، در آثاری از آن نوع ناگزیر هستند یا خیر، در صنعت رایج هستند یا خیر یا در آثاری از آن نوع انتظار می‌روند یا خیر (Samuelson, 2016, p.448).

تصمیم‌گیری در مورد اعمال نظریه ادغام یا نظریه توابع لازم در زمینه برنامه‌های کامپیوتری همواره مورد مناقشه بوده است. یک پرونده مهم در خصوص اعمال نظریه توابع لازم در حوزه برنامه‌های کامپیوتری، پرونده شرکت گیتس رابر است. در این دعوا، دادگاه رویه و کاربرد نظریه توابع لازم را در پرونده‌های نقض کپی‌رایت برنامه‌های کامپیوتری با این عبارات توضیح داد: «به موجب نظریه توابع لازم، ما از بیان‌هایی که نسبت به یک موضوع خاص، استاندارد، پایه یا مرسوم هستند یا آنکه ضرورتاً از زمینه یا موقعیت رایجی ناشی می‌شوند حمایت نمی‌کنیم. اعطای حمایت به توابع ضروری ایده، در واقع انحصار در بیان آن ایده را به برنامه‌نویس اول می‌دهد. به علاوه جایی که یک بیان خاص برای پردازش یک ایده، فرایند یا کشف خاص رایج است، فقدان اصالت رخ می‌دهد که شرط لازم برای حمایت کپی‌رایت است. نظریه توابع لازم همچنین عناصری از برنامه که توسط عوامل خارجی تحمیل شده‌اند را از حمایت مستثنی می‌کند. در حوزه برنامه‌های کامپیوتری این عوامل خارجی ممکن است شامل استانداردهای سخت‌افزار، ویژگی‌های فنی، استانداردهای نرم‌افزار و لوازم سازگاری، استانداردهای طراحی سازنده کامپیوتر، تکنیک‌ها و اقتضانات صنعت هدف و تکنیک‌های برنامه‌نویسی صنعت کامپیوتر باشند»^{۴۶}.

پس از مطالعه پرونده‌های گوناگون، آنچه به نظر می‌رسد معیار مناسبی برای تفکیک این دو نظریه از یکدیگر باشد، ارزیابی میزان ضرورت استفاده از بیان خاص است. به عبارت بهتر، باید دید آیا ضرورت به‌کارگیری بیان خاص، در حد ارجحیت کاربرد بیان رایج و مرسوم و مورد انتظار بودن آن باقی می‌ماند (توابع لازم) یا به حد تحمیل بیان خاص و در نتیجه ادغام ایده و بیان می‌رسد (ادغام).

به هر حال، هر دو نظریه رسالت تنظیم قلمرو عمومی را به دوش می‌کشند و هر یک به‌نحوی از اعطای انحصار در ایده و تصنیق قلمرو عمومی جلوگیری می‌کنند.

46. Gates Rubber Co. v. Bando Chemical Industries, Ltd., 9 F. 3d 823 (10th Cir. 1993).

نتیجه

تفکیک ایده و بیان در قلب هر تحلیل حمایت حقوق مالکیت ادبی و هنری وجود دارد؛ چراکه اساساً بحث اصالت که شرط اساسی حمایت در همه نظام‌های حقوقی است با یک موضوع بنیادین آغاز می‌شود: هیچ پدیدآورنده‌ای نمی‌تواند نسبت به ایده‌هایی که بیان می‌کند حق انحصاری کسب نماید. اعمال این تفکیک همواره مورد نزاع بوده است؛ چراکه مرز بین ایده و بیان چنان ظریف است که موجب انحراف دادگاه‌ها در تشخیص موضوع حمایت می‌شود. در بیشتر موارد دوگانگی ایده و بیان تنها یک ابزار کند ارائه می‌کند که کاربرد محدودی برای دادگاه‌ها دارد. بنابراین معیارهای دیگری لازم است که ابزارهای اجرایی اصل دوگانگی ایده و بیان هستند: نظریه ادغام و نظریه فرانسوی توابع لازم. در نظریه ادغام، موضوع اصلی این است که آیا در عمل بیش از راه‌های اندکی برای بیان یک ایده مشخص وجود دارد یا خیر. برعکس، در پرونده‌های توابع لازم موضوع اصلی آن است که آیا عناصر خاصی که بین دو اثر مشترک هستند، در آثاری از آن نوع ناگزیر و مورد انتظار هستند؟ یا در صنعت رایج هستند؟

۱۴۵

این نظریات مسلماً اقتضای ضرورت‌های عملی هستند و همین مسئله جای خالی طرح چنین موضوعاتی را در حقوق ایران پررنگ‌تر جلوه می‌دهد. باتوجه به اینکه در حقوق مالکیت ادبی و هنری ثبت آثار اختیاری است، این نظریات عموماً در کشاکش دعاوی نقض، ابزار مفیدی برای تشخیص بیان قابل حمایت به‌دست دادگاه می‌دهند، اما در حال حاضر متأسفانه به‌رغم وجود دعاوی قابل توجه نقض در محاکم قضایی ایران و ارجاع امر به‌کارشناس، بدون توجه به چنین نظریاتی و به‌صورت سلیقه‌ای نسبت به این موضوعات اظهار نظر می‌شود که این امر لزوم شناسایی و اعمال نظریات این‌چنینی را دوچندان می‌کند.

پس از مطالعه و تحلیل پرونده‌های گوناگون، به‌نظر می‌رسد بهترین دستورالعمل تشخیص وضعیت توابع لازم این است که پرسیده شود: این اثر ذیل کدام دسته آثار قرار می‌گیرد؟ و با مقایسه اثر با دیگر آثار هم‌نوع که در زمان خلق اثر موجود بوده‌اند، سبک‌های پایه در آن اثر تشخیص داده شود. در خصوص تشخیص ادغام نیز باید از تعدد صور بیان ایده، با این پرسش که: باتوجه به ماهیت خاص هر ایده، چه راه‌هایی برای بیان آن قابل تصور است، اطمینان حاصل کرد.

منابع

۱. انصاری، باقر؛ «شرایط اثر قابل حمایت در نظام مالکیت‌های ادبی و هنری (کپی‌رایت)»، مجله تحقیقات حقوقی؛ ش ۴۵، تابستان ۱۳۸۶، ص ۹۷-۱۵۱.
۲. حکمت‌نیا، محمود؛ *میانی مالکیت فکری*؛ ج ۲، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
۳. زرکلام، ستار؛ *حقوق مالکیت ادبی و هنری*؛ ج ۲، قم: نشر سمت، ۱۳۸۸.
۴. شبیری زنجانی، سیدحسن؛ «مطالعه تطبیقی چالش‌های حقوقی حمایت نظام فعلی کپی‌رایت از هنرهای معاصر با تأکید بر حقوق ایران و انگلستان»، *الهیات هنر*؛ ش ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۱-۱۷.
۵. کلمبه، کلود؛ *اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان*؛ ترجمه علی‌رضا محمدزاده وادقانی؛ ج ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵.
۶. محسنی، سعید و سیدمحمد مهدی قبولی درافشان؛ «بررسی حمایت حقوقی از ایده (مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه)»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*؛ ش ۱، بهار ۱۳۹۵، ص ۱۱۷-۱۳۷.
۷. معینی، حامد و مریم‌السادات قادری؛ «دکترین ادغام و دکترین نمای اجباری در مالکیت ادبی — هنری»، *فصلنامه حقوق پزشکی (ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری)*؛ تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۷۹-۲۰۰.
۸. میرشمسی، محمدهادی، حسام جلالیان دهقانی و علیرضا تیموری؛ «ایده و حمایت از آن در حقوق مالکیت فکری»، *حقوق اسلامی*؛ ش ۴۰، بهار ۱۳۹۳، ص ۷۱-۱۰۴.
9. Apple Computer, Inc. v. Franklin Computer Corp. 545 F. Supp. 812, 823 (E. D. Pa. 1982), rev'd, 714 F. 2d 1240, 1253 (3d Cir. 1983).
10. Atari Games Corp. v. Nintendo of America, Inc. 975 F. 2d 832 (Fed. Cir. 1992).

11. Baker v. Selden, 101 U. S. 99 (U. S.: Supreme Court, 1879).
12. Bauman v. Fussell [1978] R. p.C. 485 (U. K.: County Court & Court of Appeal, 1953).
13. Beldiman, Dana; **Functionality, Information Works, and Copyright**; Yorkhill Law Publishing, 2008.
14. Bently, Lionel, Brad Sherman; **Intellectual Property Law**; 4th Ed, Oxford University Press, 2014.
15. Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works (1886).
16. Bracha, Oren; **Owning Ideas: The Intellectual Origins of American Intellectual Property**; Cambridge University Press, 2016.
17. Cain v. Universal Pictures Co., 47 F. Supp. 1013 (S. D. Cal. 1942).
18. Chuck Blore & Don Richman, Inc. v. 20/20 Advertising, Inc., 674 F. Supp. 671, 677-78 (D. Minn. 1987).
19. Colston, Catherina, Jonathan Galloway; **Modern Intellectual Property Law**; 3rd Ed, Routledge, 2010.
20. Concrete Machinery Co. v. Classic Lawn Ornaments, 843 F. 2d 600, 606 (1st Cir.), aff'd, 867 F. 2d 606 (1st Cir. 1988).
21. Copyright Office, Library of congress, Augustine Lillis, Mark, DeWolf, Richard C., Allen Howell, Herbert, Davis, Wilma S., Rudd, Benjamin W. ; **Decisions of the United States Courts Involving Copyright and Literary Property 1789-1909**; The Ohio State University (MORITZ LAW LIBRARY), 1980.
22. Deazley, Ronan; **Copyright's Public Domain, in Intellectual Property the Many Faces of the Public Domain**; 2nd Ed, New York:

- Edward Elgar Publishing Limited, 2007.
23. *Decorative Aides Corp. v. Staple Sewing Aides Corp.* 497 F. Supp. 154, 156-67 (S. D. N. Y. 1980).
 24. *Donoghue v. Allied Newspapers Ltd* 1938 (Ch. 106 (U. K.: High Court)).
 25. *Emerson v. Davies*, 8 F. Cas. 615 (C. C. Mass. 1854) (No. 4,436).
 26. Fauset, Mathew. J. ; “What Do We Do With a Doctrine Like Merger? A Look at the Imminent Collision of the MCA and Idea/Expression Dichotomy”; **Marquette Intellectual Property Law Review**, 12 (1), 2008, pp. 131-153.
 27. *Gaiman v. McFarlane*, 360 F. 3d 644, 659 (7th Cir. 2004).
 28. *Gates Rubber Co. v. Bando Chemical Industries, Ltd.*, 9 F. 3d 823 (10th Cir. 1993).
 29. Goldstein, Paul; **International Copyright: Principles, Law, and Practice**; 3rd Ed, New York: Oxford University Press, 2001 .
 30. Gorman, Robert A. ; **Copyright Law**; 2nd Ed, Federal Judicial Center, 2006.
 31. Groves, Peter; **A Dictionary of Intellectual Property Law**; Edward Elgar Publishing, 2011.
 32. *Harper & Row*, 723 F. 2d at 203; *Gordon v. Weir*, 111 F. Supp. 117, 122 (E. D. Mich. 1953), *aff'd*, 216 F. 2d 508 (6th Cir. 1954).
 33. Hebl, Andrew. D. ; “heavy burden: Proper application of copyright's merger and scenes fair doctrines”; **Wake Forest Intellectual Property Law Journal**, 8 (1), 2007, pp. 128-160.
 34. *Herbert Rosenthal Jewelry Corp. v. Kalpakian*. 446 F. 2d 738 (9th Cir. 1971).

35. *Hoehling v. Universal City Studios Inc.*, 618 F. 2d 97 (U. S.: Court of Appeals, 2nd Cir., 1980).
36. Holbrook, Todd. S, Alan Nathan, Harris; **Model Jury Instructions: Copyright, Trademark, and Trade Dress Litigation**; American Bar Association, 2008.
37. *Holmes v. Hurst*, 174 U. S. 82, 86 (1899) ; *Feder v. Videotrip Corp.*, 697 F. Supp. 1165, 1169 (D. Colo. 1988).
38. *International News Service v. Associated Press*, 248 U. S. 215 (1918).
39. Jones. Richard H; “The Myth of Idea/ Expression Dichotomy in Copyright Law”; **Pace Law Review**, 10 (3), 1990, pp. 551-607.
40. Laddie, Hugh; **The Modern Law of Copyright and Designs**; 3rd ed, London: Butterworths, 2000.
41. Lai, Stanly; **The Copyright Protection of Computer Software in the United Kingdom**; Hart Publishing, 2000.
42. Longman Dictionary of Contemporary English (LDOCE). 6th Ed. 2014.
43. *Mazer v. Stein*, 347 U. S. 201, 217 (1954).
44. McJohn, Stephen. M. ; **Copyright: Examples and Explanations**; New York: Aspen Publishers, 2006.
45. *Midway Mfg. Co. v. Bandai-America, Inc.*, 546 F. Supp. 125, 148 n. 23 (D. N. J. 1982), cert. denied, 475 U. S. 1047 (1986).
46. *Mihalek Corp. v. State of Michigan*, 814 F. 2d 290, 294 (6th Cir. 1987) ; *Johnson v. Donaldson*, 3 F. 22, 24 (C. C. S. D. N. Y. 1880).
47. *Morrissey v. Procter & Gamble Co.*, 379 F. 2d 675 (U. S.: Court

- of Appeals, 1st Cir., 1967).
48. Murray, Michael; “Copyright, Originality, and the End of the Scenes a Faire and Merger Doctrines for Visual Works”; **Illinois Public Law and Legal Theory Research Papers Series**, 2006, pp. 3-122.
 49. N. Y Mercantile Exchange, Inc. v. Intercontinental Exchange, Inc. 497 F. 3d 109 (2d Cir. 2007).
 50. Nichols v. Universal Pictures Corp., 45 F. 2d 119 (U. S.: Court of Appeals, 2nd Cir., 1930).
 51. Ocasio, Sandro; “Pruning paracopyright protections: Why courts should apply the merger and scenes faire doctrines at the copyrightability stage of the copyright infringement analysis”; **Seton Hall Circuit Review**, 3 (1), 2006, pp. 303-337.
 52. Oliver v. Saint Germain Found., 41 F. Supp. 296, 299 (S. D. Cal. 1941).
 53. Plix Products Ltd v. Frank M. Winstone (Merchants) Ltd [1986] F. S. R. 63 (New Zealand: High Court), affirmed [1986] F. S. R. 608 (New Zealand: Court of Appeal).
 54. Raffoler, Ltd. v. Peabody & Wright, Ltd., 671 F. Supp. 947, 951 (E. D. N. Y. 1987).
 55. Samuelson, Pamela; “Functionality and Expression in Computer Programs: Refining the Tests for Software Copyright Infringement”; **Berkeley Technology Law Journal**. 31 (2), 2017, pp. 1215-1300.
 56. Samuelson, Pamela; “Reconceptualizing Copyright’s Merger Doctrine”; **Journal, Copyright Society of the U. S. A**, 2016, pp. 417-

- 470.
57. *Schwartz v. Universal Pictures Co.* 85 F. Supp 270 (S. D. Cal. 1945).
58. *Sid & Marty Krofft Television Prods. v. McDonald's Corp.*, 562 F. 2d 1157, 1168 n. 10 (9th Cir. 1977).
59. *Signo Trading Co. v. Gordon*, 535 F. Supp. 362 (N. D. Cal. 1981).
60. *Steinberg v. Columbia Pictures Indus.*, 663 F. Supp. 706, 712 (S. D. N. Y. 1987).
61. TRIPS Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (1995).
62. U. S Copyright Law (1976).
63. *Uneeda Doll Co., v. P & M Doll Co.*, 353 F. 2d 788, 789 (2d Cir. 1965) (per curiam).
64. Vaver, David; **Principles of Copyright, Cases and Materials**; WIPO Publication, 2002.
65. *Veeck v. Southern Building Code Congress International*. 293 F. 3d 791 (5th Cir. 2002).
66. Walker, Robert kirk; “Breaking with convention: The conceptual failings of scenes faire”; **Cardozo Arts & Entertainment Law Journal**, 38 (2), 2020, pp. 435-471.
67. WIPO Copyright Treaty (WCT) (1996).
68. www.casetext.com (Last visited: 4/8/2020)
69. www.lexisnexis.com (Last visited: 7/8/2020)
70. www.merriam-webster.com (Last visitd: 6/7/2020)
71. www.wipo.int (Last visitd: 6/6/2020)
72. www.wipolex.wipo.int (Last visitd: 7/8/2020)

73. Zalewski v. Cicero Builder Dev., Inc., 754 F. 3d 95, 105 (2d Cir. 2014).